

کارگران جهان متحد شوید!

دبیر کمیته کردستان محمد آسگران
Tel: 00491635112025
E-mail: asangaran@aol.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدال گلپریان
Tel: 00358 405758250
E-mail: abdolgolparian@yahoo.com

ایسکرا ۴۶۶

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

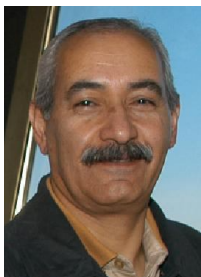
www.m-hekmat.com

چهارشنبه ها منتشر میشود

۲۳ اردیبهشت ۱۳۸۸، ۱۳ مه ۲۰۰۹

منصور فرزاد - عبدال گلپریان Iskraa_nkk@yahoo.com

با گسیل نیروهای نظامی شان به سندج، اعلام کردند که در میان مردم جایی ندارند



عبدال گلپریان

روز سه شنبه خامنه ای این سرکرده جلادان حکومت اسلامی را در میان دیوارهای بتن آرمه، با هزاران مامور و نیروی مسلح به سندج آوردند اما نه از در پشتی دانشگاه بلکه از پشت دیوارهای مرتفع و زرده های آهنی که در سطح شهر پیا کرده بودند. یک فروند هواپیمای سی ۱۳۰ نیروی هوایی خودروهای مخصوصی که قرار بود

خامنه ای و محافظانش را در محلهای مورد نظر بچرخانند در فرودگاه تحت تدابیر شدید امنیتی به صفحه ۲

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران در باره انتخابات جمهوری اسلامی در ۲۲ خرداد ۸۸ مردم انتخاب خود را کرده اند: حکومت قاتلان و دزدان اسلامی باید برود! ۲۲ خرداد روز اعتراض سراسری علیه جمهوری اسلامی است!

انتهای است باید محکوم و برکنار شود. رژیم که علیه اجتماع اول مه کارگران و تجمع معلمان لشکر کشی میکند، دانشگاه را به قبرستان تبدیل میکند، بیکاری و فلاکت و کلیه

صفحه ۲

انتهای میکند تا به بقاء خود ادامه دهد، رژیم اعدام و جنایت، انتخابات بردار نیست. باید سرنگون شود. رژیم که جهنم آفرتاید جنسی و حجاب و بی حقوقی شیخ اسلامی را به زنان تحمیل کرده است، مادون

در ۲۲ خرداد ماه باردیگر مشتت از مرتجع ترین و آدم کش ترین عناصر جمهوری اسلامی را جلوی مردم میگنارند تا در نمایشی که انتخابات نامیده میشود یکی را از صندوق بیرون آورند. اما رژیم که کودکان را

به کمپین برای آزادی دستگیر شدگان اول ماه مه پیوندید.

مراسمهای اول مه برگزار نشود به همین جهت در هیچ شهری به تقاضای کارگران برای اجازه برپائی مراسم موافقت نکرد. کارگران اعلام کردند که برپائی مراسم و

صفحه ۴

اول ماه مه امسال از هر نظر با برگزاری این مراسم در سالهای قبل متفاوت بود. جمهوری اسلامی از قبل در نظر داشت که کلیه امکانات خود را بکار بگیرد که



منصور فرزاد

اول مه ۸۸ گامی مهم در پیشروی جنبش انقلابی مردم در ایران

اعتراضات و مبارزات توده مردم بود.

اول مه امسال در ایران از نظر ابعاد آن، تعداد شهرهایی که اول مه برگزار شد، جمعیتی که در مراسم ها و میتینگهای اول مه شرکت کرد، از نظر مضمون رادیکال و طرح مطالبات انسانی طبقه کارگر برای کل جامعه، و از نظر روحیه حاکم بر اجتماعات و عزم و اراده و اتحاد رهبران و سازماندهندگان آن یک نقطه عطف در جنبش کارگری، یک پیشروی بزرگ در مبارزه مردم ایران و بروز شورانگیز حضور قدرتمند طبقه کارگر در پیشاپیش صف

هزاران نفر زن و مرد و پیر و جوان در تهران، سندج، قصر شیرین، کرمانشاه، بندرعباس، اراک، کامیاران و سقز در مراسم های اول مه شرکت کردند، راهپیمائی کردند، میتینگ سازمان دادند، پلاکارد حمل کردند، شعار دادند و قطعنامه خواندند و در مراکز شهرها و پارکهای شهرهای دیگر از جمله صفحه ۳

به سازمانها و تشکلهای کارگری در سراسر جهان

صفحه ۵

جوانمیر مرادی عضو هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران تهدید به بازداشت شد

صفحه ۶

دستگیری و اذیت و آزارهای گسترده در شهر و روستاهای کردستان

صفحه ۶

مزدوران رژیم جنایت دیگری آفریدند

صفحه ۶

در محکومیت شعار فدرا لیسیم منصور حکمت

صفحه ۷

اعلام کمپین جمع آوری ۳۰۰ هزار دلار کمک مالی

صفحه ۸

معلمان در چندین شهر دست به تجمع اعتراضی زدند

صفحه ۸

فراخوان به کمپین برای آزادی دستگیر شدگان روز جهانی کارگر

صفحه ۵

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران در باره انتخابات جمهوری اسلامی . . .

از صفحه ۱

ضد کارگر، حکومت غم و عزا و فقر و بی حقوقی باید هرچه زودتر شرش را از سر جامعه ایران کم کند. نشان دهند که در برابر جمهوری اسلامی، شادی و آزادی و برابری و رفاه را انتخاب کرده اند. حزب کمونیست کارگری همه مردم ایران را فرامیخواند که فعالانه علیه حکومت اسلامی و انتخاباتش به میدان بیایند و هر اجتماع به اصطلاح انتخاباتی رژیم را به صحنه ای برای بازخواست و افشای این قاتلان اسلامی تبدیل کنند. در طول دوره مضحکه انتخابات باید در دیوار شهر را با شعارها و پوسترهایی علیه کل رژیم اسلامی آذین بست. بویژه روز رای گیری یعنی جمعه ۲۲ خرداد باید به یک آکسیون سراسری علیه جمهوری اسلامی بدل شود. تنها رای ندادن و یا افشای کاندیدها کافی نیست بلکه لازم است در این روز همه مردم از زن و مرد و پیر و جوان به میدان بیایند و با اجتماع در پارکها و میادین و مراکز شهرها این روز را به یک نمایش عظیم اعتراض میلیونی و سراسری علیه جمهوری اسلامی و انتخاباتش تبدیل کنند. در ۲۲ خرداد باید قاتلان و دزدان اسلامی حاکم بر ایران آشکارتر از همیشه ببینند که صف میلیونی و مصمم برای پایان دادن به ۳۰ سال حکومت اعدام و استثمار و نکبت اسلامی براه افتاده است.

فروشی را به مردم تحمیل کرده و دستمزدهای بخور و نمیر میلیونها کارگر را برای ماهها پرداخت نکرده است، از پیش عدم مشروعیت خود را اعلام نموده است.

اما حتی اگر رژیم این پرونده سیاه را نمیداشت باز هم مضحکه به اصطلاح "انتخابات" جمهوری اسلامی در شرایط نفی ابتدائی ترین آزادیهای سیاسی و با وجود شورای نگهبان و "نظارت استصوابی" و سایر فیلترهای اسلامی حتی با ابتدائی ترین معیارها نیز شایسته نام انتخابات نبود. این یک بازی مسخره در جنگ قدرت بین دزدان و قاتلان است. احمدی نژاد و کروبی و موسوی و سایر قاتلانی که دستشان به خون هزاران نفر آغشته است و سر در آخور آخوندهای میلیاردی دارند و وقیحانه نام "کاندیدا" بر خود گذارده اند، نه انتخاب که باید محاکمه و مجازات شوند. هرچند حکومت اسلامی و اپوزیسیون پرو رژیم و روزنامه ها و رسانه های دولتی و یا ژورنالیسم نوکر شب و روز میکوشند تا این سیرک جنایتکاران اسلامی را "انتخابات" بنامند و مشروعیتی برای آن دست و پا کنند، اما برای مردم ایران حقایق فوق نکته تازه ای نیست. مردم ایران سالهاست که انتخاب خود را کرده اند: حکومت قاتلان و دزدان اسلامی باید برود!

اما مضحکه انتخابات ریاست جمهوری اسلامی فرصت مغتنمی است تا مردم ایران فعالتر و پرشورتر از گذشته به تمام جهان نشان دهند که حکومت اسلامی نمی خواهند. نشان دهند که حکومت ضد زن و

کردن پرچی که خواستهای انسانی و رادیکال را منعکس می کرد، خواستار یک زندگی بهتر و ایجاد یک دنیای انسانی شد. حکومت اسلامی عزم جزم کارگران و بخشهای مختلف جامعه را برای برگزاری یک اول مه متفاوت، باشکوه، چپ و سوسیالیستی را بو کشیده بود. از یک ماه قبل کانال جدید برای ساختن چنین اول مه با شکوهی برای بسیج جامعه حول خواستهای انسانی در روز اول مه یک تلاش شبانروزی و موفق را در میان مردم و کارگران بکار برد. این واقعه مهم پایه های لرزان حکومت را لرزان تر از همیشه به مردم معرفی کرد. حکومت اسلامی در اول صبح روز یازده اردیبهشت با اعدام کودکی که مردم برای نجاتش حکومت را نشانه گرفته بودند خواست نشان دهد که شمشیرهایش را از رو بسته است. اما کارگران و مردم در پارک لاله تهران، در امیریه سنندج، در خیابانهای کرمانشاه و در میادین و پارکهای بسیاری از شهرهای ایران به پیشروی خود ادامه دادند و به حکومت اسلامی نشان دادند که دوران ایجاد رعب و وحشت مدتهاست سپری شده است. در اوج ذلالت به دستگیری کارگران در پارک لاله پرداخت. حکومت اسلامی با اعدام دلارا و با یورش به کارگران در اول مه اوج استیصال و وحشت خود از مردم را در مقابل چشم جهانیان به نمایش گذاشت.

اینجا است که به پاسخ سئوالات فوق در نمایش قدرت و مانور سرکرده آدمکشان حکومت اسلامی می رسیم. میلیتاریزه کردن شهر سنندج بی دلیل نبود. انتخاب سنندج برای حضور رهبر و گسیل داشتن هزاران نفر از نیروهای نظامی اش به این شهر معنای سیاسی متفاوتی داشت و دارد. بعد از حرکت مردم در مخالفت با مجازات اعدام و بعد از اول مه تاریخی کارگران در ایران، خامنه ای لازم دید تا در کردستان و در شهر سنندج که تاریخا مرکز مبارزه علیه رژیم اسلامی بوده است مانوری بدهد و نشان دهد که در کردستان و در شهر سنندج سرخ که محل تداوم انقلاب، مبارزه و مقاومت در برابر حکومت

با گسیل نیروهای نظامی شان به سنندج . . .

از صفحه ۱

بتوانند با خیال راحت و هر ساله روزهای تاریخی این جنبشها، اول مه، ۸ مارس، ۱۶ آذر و ... را از سر بگذرانند. اما نه تنها این روزهای تاریخی و حق طلبانه خواب را از چشمان حاکمان ربوده است بلکه سالهاست که هر روز برای مردم هشت مارس است، هر روز اول مه است و سراسر سال روز دانشجو است. این اعتراضات و مبارزات دیگر به امری هر روزه تبدیل شده است. حضور و قدرت نفوذ کلام کانال جدید در خانه های میلیونها مردم در سراسر ایران، نمایندگی کردن خواست و آرزوهای مردم، سازماندهی مبارزات و اعتراضات جنبشهای اجتماعی توسط حزب کمونیست کارگری، قدرت و کاراکتر این حزب را به یک معضل لاعلاج برای حکومت اسلامی تبدیل کرده است. کمپین و رفتار مردم ایران علیه مجازات اعدام در اوایل اردیبهشت که کانال جدید مبتکر آن بود، تا به آنجا رسید که کروبی و شریعتمداری را به جان هم انداخت، از ترس "مدافع حقوق کودک" شدند و به رو کردن قتلهایی که توسط هریک سازماندهی شده بود پرداختند. خاتمی در گفتگو با روزنامه اعتماد و در اوج رنگ پریدگی گفته است آینده جمهوری اسلامی تیره و تار است و اگر این وضع تغییر نکند همه ما رفتنی هستیم. رفسنجانی هم می گوید شرایط نظام در موقعیت خوبی نیست. بله اینبار دارند صدای انقلاب را با صدای بلند می شنوند. به تکاپو افتاده اند، صفوفشان بشدت درهم ریخته است، دوران انسجام جناحها بسرآمده است. هیچ راهی برای آبرویافتگی اینها وجود ندارد.

خیلی تلاش کردند اول مه را بخوبی و خوشی از سر بگذرانند. به اسم هفته کارگر و با خانه کارگر جلو آمدند اما نگرفت و اول مه امسال بعنوان یکی از تاریخی ترین اول مه های کارگران ثبت شد. طبقه کارگر در یک اتحاد بی نظیر، با فراخوان به کل جامعه و با بلند

پادگان سنندج آورده شدند. طی چند روز متوالی تمامی شهر را با دوربینهای مختلف مجهز کردند، مرخصی اجباری را برای کارکنان دولت اعلام کردند. دیوارهای استانداری را از سمت جورآباد به ارتفاع سه متر بالا بردند. دانشجویان دانشکده افسری، نیروهای نظامی و انتظامی را با اتوبوس و از طرق مختلف برای استقبال از او به سنندج گسیل داشته اند. تمام مدارس شهر را به حالت تعطیل درآورده اند و این مدارس را عملا به هتل های موقت برای اسکان دادن این نیرو تبدیل کرده اند. حتی خبرگزاریهای دولتی ایرنا و فارس هم اجازه ورود به محل سخنرانی را ندارند. این سفر چه احتیاجی به استقرار کاتیشوا و سلاحهای سنگین بر بلندیهای مشرف بر شهر سنندج دارد؟ یا یک نگاه به شهر سنندج و اطراف آن، هر کسی بیاد جنگ ایران و عراق می افتد.

اما سؤال اینجاست چی شده؟ چه خبر است؟ این میلیتاریزه کردن و حتی استقرار سلاحهای سنگین در اطراف شهر سنندج برای چی بود؟ یک حکومت نظامی اعلام نشده را در سنندج برپا کردند. آتشبارهای ضد هوایی مستقر بر روی تپه های اطراف شهر، نقل و انتقال نیروهای تکاور ارتش و سپاه و این نمایش و مانور نظامی برای حضور سرکرده جلاخان حکومت اسلامی در کردستان و شهر سنندج حامل چه پیامی است؟ پاسخ به این چراها را قبل از هر چیز باید در سپری شدن روزهای آخر عمر این حکومت دید. به خیال خود خواستند با نشان دادن چنگ و دندان نظامی بگویند فعلا سرپا هستیم. خواستند بگویند با توپ و تانک طرف هستیم. اما حقیقت امر این است که ترسیده اند، بدجوری هم به هراس افتاده اند. مدتهاست که مردم ایران، حکم به رفتن این حکومت داده اند. در گذشته سران این رژیم تا حدی به این دلخوش کرده بودند که با هر بدبختی که شده

مردم ایران سالهاست که انتخاب خود را کرده اند: حکومت قاتلان و دزدان اسلامی باید برود!

آزادی، برابری، حکومت کارگری
مرک بر جمهوری اسلامی
زنده یاد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران
۴ مه ۲۰۰۹، ۱۷ اردیبهشت ۱۳۸۸

با گسیل نیروهای نظامی شان به سندج . . .

از صفحه ۲

اسلامی، تشکیلهای اوایل مه‌های کارگران، مرکز مبارزه با زن ستیزی، و دفاع از حقوق انسانی کودک، چپ، کمونیسم و آزادیخواهی بوده است با رژه نظامی و برقراری حکومت نظامی اعلام نشده‌اش و تحت لوای سفر به آنجا، اندکی از فضای توقع و انتظارات انسانی و اعتراض و مبارزه را در سراسر ایران کاهش دهد.

خامنه‌ای در میدان اقبال سندج در حالی به سخنرانی برای اجتماع نیروهای نظامی و انتظامی حکومتش پرداخت که ۳۰ سال قبل هنگامی که خمینی در سال ۵۸ هیئتی از جنایتکاران حکومت تازه بقدرت رسیده‌اش مرکب از طالقانی، رفسنجانی، بنی‌صدر، قطب‌زاده، و خامنه‌ای را برای مذاکره با مردم کردستان به سندج فرستاده بود، در همین میدان مورد تمسخر مردم قرار گرفتند و آنها را هو کردند.

این حفاظت برای سفر خامنه‌ای به سندج اوج استیصال و درماندگی این حکومت در حال سقوط را بیشتر از هر دوره‌ای نشان داد. این مانورها دیگر مانوری برای ایجاد ترس در میان مردم نیست بلکه برعکس وحشتی است که سرپای جمهوری اسلامی و سران قاتل و دزد آن را فراگرفته است. حضور هر یک از سران این حکومت در هر شهری که مخاطبین سخنرانی‌اش را نیروی‌های نظامی و انتظامی که از مراکز نظامی گسیل داشته شده و تشکیل می‌دهد، افتضاحی به تمام معنا برای حکومتی است که دارد پایان عمر خود را جار می‌زند.

وقتی که دانشجویان مازندران موسوی را شریک قتل عامهای ۶۷ معرفی کردند و کارگران اهواز به موسوی گفتند "موسوی ۶۷" همه شما از یک قماشید، وقتی که دانشجویان دانشگاه رازی کرمانشاه جلسه "موسوی ۶۷" را با شعار مرگ بر دیکتاتور پاسخ دادند. و زمانی که دانشجویان هم لقب "سید علی پینوشه" را بر گردن خامنه‌ای

مردم چنگ و دندان نشان دادند رژیم را نشانه‌ای از قدرت اتحاد خود در مقابل حکومت میدانند. مردم حکم به رفتن رژیم داده‌اند و پروژه‌هایش را به شکست میکشاند. جلادان حکومت نباید جرات حضور در میان مردم را داشته باشند. اینها مسببین سی سال فقر و محرومیت و سرکوب و کشتار و بگیر و ببند هستند. این جلادان ۳۰ سال است که دستشان به خون مردم آغشته است. مردم اعلام کرده‌اند که این حکومت باید برود و سران آن اجازه حضور در میان مردم را ندارند. همانطور که تا کنون اجازه نداده‌اند و برای اینکه نشان دهند در میان مردم هستند، بلاجبار و با صرف هزینه‌های سنگین و هنگفت، نظامیان را در لباس شخصی به جای مردم قالب کردند. سفر خامنه‌ای به سندج تا همینجا به یک رسوایی بزرگ برای حکومت تمام شده است. رسوایی‌های بزرگ دیگر در انتظارشان است.

با این ژست نظامی خواستند بگویند شمشیرهایشان را از رو بسته‌اند. اما مردم دستشان را خوانده‌اند. این قیافه گرفتن پایان عمر دیگر رنگی ندارد. مردم دارند به ریش و پشم ریخته‌شان می‌خندند. از هر کودک دبستانی در سندج سؤال کنی می‌گوید اگر خامنه‌ای می‌خواست برای نیروهای اعزامی‌اش حرف بزند، می‌توانست هر روز به پادگانهای شهرهای ایران برود و برای سربازان امام‌زمان نوحه‌سرایي کند چرا پادگان را به داخل این شهر آورده‌اند؟ چرا سربازان امام‌زمان را از نقاط دیگر به این شهر کشیده‌اند؟ چرا مدارس را به هتل تبدیل کرده‌اند؟ این یعنی عمق ذلت. این یعنی اوج استیصال و درماندگی حکومتی که خود به وحشت افتاده است. سراسیمه و درمانده شده‌اند.

حکومت اسلامی با اعدام کرده‌هایش و با یورش به اول مه، گور خود را عیب‌تر کرد. با هر تصمیم، سیاست و تاکتیکی که اتخاذ می‌کند این گور عمیق و عمیق‌تر می‌شود. دستپاچه شده‌اند، در بد مخمضه‌ای گرفتار آمده‌اند. حزب کمونیست کارگری، کارگران و میلیونها مردم در ایران و کانال جدید خواب را از چشمان گرفته‌اند. مدتهاست که قدرت و بدیل‌الترناتیو خود را در هیبت این حزب، در کانال جدید و مردم روئیت کرده‌اند.

۱۲ مه ۲۰۰۹

اول مه ۸۸ گامی مهم در پیشروی . . .

از صفحه ۱

رشت و تبریز و اصفهان و اهواز حضور یافتند، اگرچه بدلیل فشار پلیسی امکان برگزاری مراسم نیافتند. چنین دامنه‌ای از برگزاری روز جهانی کارگر در سی سال گذشته و پس از اول مه سال ۵۸ بیسابقه بوده است. این يك پیشروی مهم در جنبش کارگری و جنبش آزادیخواهانه مردم ایران است.

تجمعات حکومت نظامی اعلام نشده‌ای را در اکثر شهرها سازمان داد و هرچند با این کار مانع گسترش ابعاد این مراسم‌ها شد، اما قادر به جلوگیری از آنها نشد، و علیرغم دستگیری تعدادی از فعالین و شرکت‌کنندگان در این تجمعات از جمله در سندج، قصر شیرین و بندرعباس و یورش وحشیانه به تجمع کارگران در پارک لاله تهران، هزاران نفر در این مراسم‌ها گرد آمدند و اول مه را گرامی داشتند. رژیم از ترس گسترش این اجتماعات و مشخصاً در تهران درست در شروع مراسم و در حالیکه مردم دسته‌دسته از نقاط مختلف تهران بطرف این مراسم در حرکت بودند، با گاز اشک‌آور و باتوم و مشت و لگد یورش برد و بیش از ۱۷۰ نفر از سازمان‌دهندگان و شرکت‌کنندگان در این مراسم را دستگیر و روانه زندان کرد. رژیم حتی جنایتکارانه و صبح این روز دلارا را به دار کشید تا پیام تهدید و ارباب خود را به مردمی که قصد برگزاری و شرکت در مراسم‌های اول مه را داشتند برساند اما این جنایت نیز مانع حضور پرشور مردم در این اجتماعات نشد. بویژه حضور تعداد کثیری از زنان مبارز و آزادیخواه در اجتماعات اول مه کاملاً چشمگیر بود. روحیه بالای زندانیان اول مه که به خانواده‌های خود پیام می‌فرستند که از قبول هر نوع وثیقه‌ای خودداری کنند و تجمعات پرشور و مصممانه و هرروزه خانواده‌ها بیانگر روحیه حاکم بر اول مه امسال و مردمی است که دیگر حاضر به تحمل این شرایط خفت‌بار نیستند.

صفحه ۶

به کمپین برای آزادی دستگیر...

از صفحه ۱

اول ماه مه به تجمعات خود ادامه خواهند داد. از طرفی دستگیری شرکت کنندگان در اول ماه مه، نظر مردم را در سطح وسیعی در سراسر ایران و جهان بخود جلب کرده و فعالیت فزاینده و چشمگیری برای آزادی دستگیرشدگان را شاهد هستیم.

همه دستگیر شدگان جمعا تصمیم گرفته اند و به خانواده هایشان گفته اند که آزادی آنها باید بدون قید و شرط باشد و نباید در مقابل آزادی آنها وثیقه ای تودیع شود زیرا که آنها جرمی مرتکب نشده اند و خواست آنها برحق است و خواهان مطالبات خود هستند.

این کمپین ادامه دارد و تا کنون جمعتهائی از کارگان ایران از آن حمایت کرده و به آن پیوسته اند. باید اعتراضی سراسری در ایران و کشورهای دیگر سازمان داد و کلیه کارگران و اتحادیه و سازمانهای کارگری را در سطح بین المللی از وضعیت کارگران در ایران و زندانیان اول ماه مه مطلع کرد. کانال جدید تا کنون با انعکاس خبر، میلیونها نفر را در ایران و سراسر جهان به مبارزه برای آزادی زندانیان فراخوان داده است. آزادی زندانیان سیاسی در گروه چه وسیعتر شدن این کمپین، حمایت و پیوستن سایر تشکلهای کارگری، اجتماعی و سیاسی در ایران و سطح بین المللی است. از این کمپین باید حمایت کرد.

زیدی را مجروح و بیش از ۱۵۰ نفر را دستگیر کردند. اطلاعیه ادامه میدهد که این افراد هیچ جرمی مرتکب نشده اند و آنها فقط بخاطر اینکه میخواستند همراه با میلیاردها کارگر در سراسر جهان، روز اول ماه مه را گرامی بدارند و خواسته اند که با صدای بلند بر علیه تحقیر هر روزه و طرح مطالبات خود و از جمله آزاد نبودن برپا کردن تشکلهای مستقل اعتراض خود را اعلام کنند، امروز در زندان هستند و در شرایط بسیار بدی قرار داده شده اند.

تا کنون تعدادی از دستگیر شدگان آزاد شده اند اما تعداد بمراتب بیشتری هنوز در زندان بسر میبرند و طبق گزارشات کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، خانواده های زندانیان توانسته اند با تعدادی از بستگان خود در زندان تلفنی تماس بگیرند اما از وضعیت اکثر دستگیرشدگان اطلاعی در دست نیست. زنان دستگیر شده در تماسهای تلفنی گفته اند که رژیم آنها را تحت فشار قرار داده که تعهد بدهند که در تجمعات غیر قانونی شرکت نکنند در غیر این صورت به سلول انفرادی منتقل خواهند شد. خانواده های دستگیرشدگان هر روزه در مقابل دادگاه جمهوری اسلامی تجمع کرده اند و تلاش پیگیرانه ای را برای آزادی بی قید و شرط عزیزان در بند خود را شروع کرده اند و اعلام کرده اند که تا آزادی کلیه زندانیان

عین حال ضدیت شدید جمهوری اسلامی را با کارگران و خواسته هایشان نشان داد. مراسمها در تهران در پارک لاله، سنندج، قصر شیرین، رشت و تعدادی از شهرهای دیگر برگزار گردید و بسیاری در جمعهای کوچکتر این روز را گرامی داشتند. هر چند کارگران نتوانستند به دلیل بسیج نیروهای امنیتی - پلیسی و لباس شخصی ها، مراسم ها را طبق آن چه که در نظر داشتند با تعداد صدها هزار نفره به پیش ببرند اما کارگران توانستند علیرغم فشار و مشکلات متعدد، مراسم ها را در چند شهر علنی برگزار کنند. در روز اول ماه مه صدها نفر دستگیر شدند که در میان آنها اسامی تعدادی از رهبران تشکلهای کارگری وجود دارند و از همان روز کمپین وسیعی برای آزادی زندانیان از طرف خانواده ها و تشکلهای کارگری در ایران و سراسر جهان شروع شد. از جمله بیش از ۲۵ تشکل و سازمان کارگری در ایران، کمپینسی را برای آزادی دستگیرشدگان اول ماه مه اعلام کرده اند. طبق این اطلاعیه کارگران و خانواده هایشان که بنابر فراخوان کمیته برگزاری مراسم اول ماه مه و برای اعلام مطالبات و گرامیداشت اول ماه مه در پارک لاله جمع شده بودند، وحشیانه مورد حمله نیروهای امنیتی و لباس شخصیها قرار گرفتند و کارگران را مورد ضرب و شتم قراردادند. تعداد

مردم رساند. ترس جمهوری اسلامی از برگزاری مستقل اول ماه مه این حکومت ضد کارگر و ضد بشر را وادار کرد که غیر مستقیم این روز را برسیت بشناسد. از قبل معلوم بود که خانه کارگر برگ سوخته ای است و همان سیاستی رادر میان کارگران به پیش میبرد که جمهوری اسلامی در سه دهه حکومت خود در مقابل کارگران اعمال کرده است.

کارگران به استقبال اول ماه مه رفتند و جمهوری اسلامی کلیه نیروهایش را آماده کرده بود که مانع برگزاری مراسمها شود. صبح روز اول ماه مه دلارا دارابی را بدون اطلاع و حضور وکیل و خانواده اش اعدام کرد و با این عمل خواست وحشیگری خود را دوباره نشان دهد. اعدام دلارا دارابی معنی خاصی داشت. جنگ برای آزاد کردن دلارا از مدتها پیش در جریان بود و مسئله بعد وسیع و جهانی یافته بود و به لطف کانال جدید، کمپین بین المللی بر علیه اعدام و مینا احدی جبهه وسیعی در سطح جهان بر علیه جمهوری اسلامی و برای نجات جان دلارا شکل گرفته بود. اعدام دلارا در روز اول ماه مه برای ایجاد ترس در میان کارگران و جلوگیری از برگزاری بزرگداشت این روز بود و در

گرامیداشت این روز را حق بی چون و چرای خود میدانند و به این ترتیب تلاش کردند که از قبل در صدد تدارک برگزاری اول ماه مه برآمدند. تعدادی از تشکلهای فرخوان دادند و در نهایت کمیته ای برای برگزاری اول ماه مه شکل گرفت که بیش از ۱۶ تشکل را در بر میگرفت و برپائی اول ماه مه را در سراسر ایران فراخوان داد. این اقدام شجاعانه و مهمتر از آن تدوین جسورانه قطع نامه این تشکلهای به نام "قطعنامه کارگران ایران به مناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر" که ۱۵ بند را در بر داشت، اوج همه جانبه نگری و انساندوستی کارگران را نشان میداد. رژیم در مقابل عروج این نیرو که خواست و آرزوی میلیونها نفر را طرح میکرد عاجز بود. بخش عمده ای از فعالیت و برنامه های کلیه دولتهای سرمایه داری این است که توده میلیونی مردم کارکن را از آگاه شدن به اتحاد و مطالبات خود دور نگه بدارند و مانع متحد شدن اکثریتی گردند که بطور واقعی هم سرنوشت هستند. به این جهت تلاش کرد که راه دیگری بیاید در نتیجه یک هفته را به نام روز کارگر اعلام کرد و برنامه هایش را به نام خانه کارگر در رادیو و تلویزیون و روزنامه ها به اطلاع

بحران جهانی و چشم انداز انقلاب در ایران!

سخنران: حمید تقوائی لیدر حزب کمونیست کارگری ایران

- سخنرانی، پرسش و پاسخ، تریبون آزاد
- × از ریزش دیوار برلین تا سقوط وال استریت
- × عروج و افول نئوکنسرواتیسم و بن بست سرمایه داری جهانی. راه برون رفتی هست؟
- × تأثیر بحران جهان سرمایه داری بر بحران حکومتی در ایران
- × اول ماه مه ۸۸ و عروج جنبش کارگری در ایران
- × قطب بندی طبقاتی در ایران. موقعیت چپ، راست و جنبش انقلابی مردم علیه جمهوری اسلامی
- × انقلاب آتی ایران و پاسخ به مسائل جهانی

شنبه ۲۳ مه ۲۰۰۹ - ساعت ۷:۳۰ بعداز ظهر

اوربول کامیونیتی سنتر - ۲۹۷۵ دان میلز (شمال شیرد)

(Oriole Community Centre)

Don mills Rd. (Nort of Sheppard) ۲۹۷۵

از کلیه علاقه مندان دعوت میشود در این جلسه سخنرانی شرکت نمایند.

تلفن تماس: ۴۱۶-۴۷۱-۷۱۳۸

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران، واحد شرق کانادا



ایسکرا، برنامه ای بزبان کردی در کانال جدید

برنامه ایسکرا روزهای یکشنبه و سه شنبه و پنجشنبه ساعت ۴ و نیم بعداز ظهر بوقت تهران پخش میشود
نهیته کننده برنامه:
یدی محمودی

تلویزیون ۲۴ ساعته کانال جدید

مشخصات فنی:

ماهواره هات برد ۸

فرکانس ۱۲۳۰۳ مگاهرتز سیمبل ریت ۲۷۵۰۰ - اف



فراخوان به کمپین برای آزادی دستگیر شدگان روز جهانی کارگر

کارگران، تشکل‌ها و نهادهای کارگری ایران و جهان! در روز جهانی کارگر هنگامی که کارگران و خانواده‌های آنان که بنا بر فراخوان کمیته برگزاری مراسم اول ماه مه (مشتعل بر تشکل‌های مستقل کارگری ایران) که برای اعلام مطالبات خود و گرامی داشت این روز در پارک لاله تهران گرد هم آمده‌اند، به همراه تعداد دیگری از مردم حاضر در پارک مورد یورش نیروهای امنیتی-پلیسی و ماموران لباس شخصی قرار گرفتند. این نیروها با انواع ابزار و روش‌های سرکوب، تعداد زیادی را شدیداً مجروح و بیش از صد و پنجاه نفر را در حالی که مورد ضرب و شتم واقع شده بودند، دستگیر و روانه زندان کردند. از این تعداد هنوز حدود یکصد تن در زندان به سر می‌برند. این افراد هیچ جرمی مرتکب نشده بودند که این چنین غیر انسانی سرکوب و به بند کشیده شده‌اند. آنها فقط به خاطر این که همزمان با میلیاردها کارگر دیگر در سراسر دنیا و به دلیل طرح مطالبات میلیون‌ها انسان در ایران که هر روزه تحقیر می‌شوند، به دلیل برپا کردن

تشکل‌های مستقل سرکوب می‌شوند و ماه‌های متمادی حقوقی دریافت نمی‌کنند، تنها به دلیل این که صدای اعتراض برآورده‌اند، امروز در بدترین شرایط در زندان هستند. هر روز خانواده‌هایشان که برای آزادی آن‌ها در مقابل دادگاه‌ها و مراجع دیگر قضایی مراجعه می‌کنند اما با برخوردهای نامناسب و پاسخ‌های ضد و نقیض مواجه می‌شوند. ما میلیون‌ها کارگر و زحمتکش و مساوات طلب نسبت به عزیزان دربند و خانواده‌هایشان مسئول هستیم و نباید آن‌ها را تنها بگذاریم. باید فوراً متحدانه دست به کار مبارزه‌ای وسیع تا آزادی همه دستگیر شدگان شویم. ما ضمن اعلام این کمپین از تمامی تشکل‌ها و نهادهای کارگری و حقوق بشر داخلی و بین‌المللی می‌خواهیم که با تمامی توان خود و به فراخور امکانات خود و از هر طریق ممکن، ضمن محکوم کردن دستگیری این عزیزان و درخواست برای آزادی بی‌قید و شرط آنان به حمایت‌های گوناگون و متناسب با توان خود از این عزیزان و خانواده‌های آنان و اصرار بر مطالبات اعلام شده در

قطعه‌نامه اول ماه مه این کارگران بپردازند. زنده باد همبستگی طبقاتی کارگران جهان اعلام حمایت‌ها، بیانیه‌ها و گزارش اقدامات انجام شده خود را به این نشانی بفرستید.

campaign1may@gmail.com

- سندیکای شرکت واحد تهران و حومه- سندیکای نیشکر هفت تپه- اتحادیه آزاد کارگران ایران- هیئت بازگشایی سندیکای کارگران نقاش و تزئینات ساختمان- شورای همکاری تشکل‌ها و فعالین کارگری شامل: - کمیته پیگیری ایجاد تشکل‌های آزاد کارگری - کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری - جمعی از فعالین کارگری - شورای زنان- کانون مدافعان حقوق کارگر حامیان این کمپین :- انجمن برق و فلز کرمانشاه- انجمن دفاع از کارگران اخراجی سقز - کمیته دفاع از کارگران هفت تپه - کارگران کارخانه پریس سنندج- کارخانه بافندگی شین بافت سنندج- کارگران

کارخانجات شاهو- نساجی کردستان- غرب بافت- آجر شیل - شیرپاک آرا- گونی بافی سما- آرد فجر- نیرو رخش- کارگران بخش خدماتی بیمارستان توحید سنندج- جمعی از بازنشستگان شهرستان سنندج - کارگران شرکت فرش غرب کرمانشاه- کارخانه لاستیک دنا - سیمان قائی - جمعی از کارگران عسلویه

در روز اول مه حدود ۱۷۰ نفر در تهران دستگیر شدند، حدود ۱۰۰ نفر هنوز در زندان هستند. اسامی تعدادی از کسانی که هنوز در زندان بسر می‌برند:

جعفر عظیم‌زاده، شاپور احسانی راد، بهرام (عیسی) عابدینی، سعید یوزی، بهروز خباز، یونس ارژنگ، مریم محسنی، محمد اشرفی، لاله محمندی، شریف محمندی، افسانه عظیم‌زاده، فاطمه اقدامی، فاطمه شاه نظری، محمد لطفی، مسعود لقمان، غلامرضا خانی، منصور حیات غیبی، بهناز فرمانیر، پروانه قاسمیان، میثم جعفر نژاد، امیر

یعقوب علی، کاوه مظفری، جلوه جواهری، علیرضا ثقفی، محسن ثقفی، اسداله پور فرهاد، علی رضا فیروزی، پوریا پیش تازه، طاهای ولی زاده، هما ازدرنیا، حمید خادمی، عین‌اله بصیری، امید شفیعی، نوید یزدی، نسریین علیزاده، سجاد سبزه‌علی پور، آسان زرفام، خوشبخت، احمد داوودی، محمدی سلیمی، محمد احسانی، صالح کیا آبادی، حمید یعقوب علی، سیروس فتحی، شریفه فتحی، مریم میربهراری، مریم یمنی فر، محمود حسین، همایون جابری، بهنام ابراهیم زاده، حمید ملک زاده، صادق کیوان، اژن پورشریفی، زانیار احمدی، بهزاد خباز، حمید یعقوب علی، حمید خادمی، عین‌اله بصیری، مهدی شاندیز فراهانی، فرج الله سعدی، نجمه رنجبران، علی معذب، سعید سجودی، حمید قربانی، یکنراد زنگنه، پوریابیش تازه، اصغر یاری، غلامرضا رجبی، سجاد سبزه‌علی پور.

به سازمانها و تشکلهای کارگری در سراسر جهان

۳- کمیته همبستگی بین‌المللی کارگری از سازمانهای کارگری در سراسر جهان درخواست میکند که هیاتی را برای بازرسی از زندانهای ایران و دستگیر شدگان اول مه به ایران ارسال کنند و خواهان آزادی فوری دستگیر شدگان اول مه و تمامی زندانیان سیاسی از زندان شوند.

کمیته همبستگی بین‌المللی کارگری حزب کمونیست کارگری ایران

هماهنگ کننده شهلا دانشفر
shahla_daneshfar@yahoo.com

روابط عمومی بهرام سوروش
bahram.soroush@gmail.com
۱۱ مه ۲۰۰۹

انتظار دارد که تمامی سازمانها و نهادهای انساندوست در سراسر جهان به این کمپین بپیوندند و از این خواستها حمایت کنند:

۱- جمهوری اسلامی را بخاطر حمله وحشیانه به مراسم اول مه در ایران و ضرب و شتم شرکت کنندگان و دستگیری آنها را محکوم کرده و خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط آنان شوند.

۲- جمهوری اسلامی رژیم شلاق و زندان و اعدام و شکنجه است. کارگران را بخاطر ایجاد تشکل خود و برپایی مراسم اول مه تحت پیگرد قرار میدهد و زندانی میکند. جمهوری اسلامی باید از تمام مراجع جهانی، از جمله سازمان جهانی کار (آی ال او) اخراج شود.

اطلاع دارید که در اول مه امسال در ایران حدود ۱۷۰ نفر از شرکت کنندگان در پارک لاله تهران دستگیر شدند و اکنون بیش از صد نفر از آنها در بازداشت هستند. به خانواده‌های آنان اجازه ملاقات داده نمی‌شود. هنوز اطلاع دقیقی از تعداد دستگیر شدگان در دست نیست. خانواده‌های افراد بازداشت شده هر روز مقابل دادگاه جمع میشوند تا پیگیری وضع عزیزانشان شوند. اما تا کنون پاسخی نگرفته‌اند. اکنون حرکتی گسترده در اعتراض به این دستگیری‌ها برپا افتاده است. ۲۹ تشکل و مرکز کارگری از شهرهای مختلف ایران کمپینی برای آزادی دستگیر شدگان اعلام کرده‌اند. کمیته همبستگی بین‌المللی کارگری

پیام سندیکای کارگر نیشکر هفت تپه در رابطه با دستگیریهای اول ماه می امسال تهران

میدانند و در راه آزادی این عزیزان و در چهارچوب قوانین داخلی و بین‌المللی، هر کاری که صلاح باشد انجام میدهد و از تمام نهادهای کارگری عضو فدراسیون جهانی مواد غذایی که ما عضو هستیم میخواهد که به دولتهایشان فشار بیاورند که از دولت ایران بخواهند که تمامی زندانیان کارگری ایران هر چه سریعتر بدون هیچ قید و شرطی آزاد گردند. با امید به برقراری عدالت در سراسر جهان سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه اردیبهشت هشتاد و هشت

بر گرفته از سایت
اتحادیه آزاد کارگران ایران

در روز ۱۱ اردیبهشت سال ۱۳۸۸ (روز جهانی کارگر) بنا به فراخوان تشکل‌های اجتماعی و مستقل جنبش کارگری ایران مراسمی برگزار گردید که خواسته‌ها و مطالبات کارگران ایران در آن قید شده بود. در آن روز تعداد کثیری از فعالین کارگری، خانواده‌های کارگران و مردمی بنا به فراخوان در محل پارک لاله و در اطراف میدان آب نمای آن تجمع کردند که پیش از شروع برنامه از طرف نیروهای انتظامی سرکوب و دستگیر شدند. سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه بعنوان یکی از امضا کنندگان این فراخوان، این سرکوب و دستگیری‌ها را محکوم میکند و خود را در کنار خانواده زندانیان

مزدوران رژیم جنایت دیگری آفریدند

منطقه توسط جیرخواران و جانبداران حکومت اسلامی به قتلگاه تبدیل شده است. طی یکسال و نیم گذشته تا کنون بیش از ۷۰ نفر از کارگران مرزی که در میان آنان نوجوانان و کودکان ۱۲ ساله بچشم می خورد به قتل رسیده اند.

کمیته کردستان حزب ضمن تسلیت به خانواده و بستگان طه سلیمی و شیرزاد ملایی، این عمل جنایتکارانه مزدوران رژیم اسلامی را محکوم می کند و از همه مردم شهر و روستاهای حومه نودشه و از همه مردم آذربایجان خواه کردستان می خواهد که بطور متحد و یکپارچه به این آدم کشی نیروهای اسلامی اعتراض کنند.

بنا به خبری که به حزب رسیده است روز یکشنبه ۲۰ اردیبهشت ۸۸ ماموران حکومت اسلامی در مرز "نودشه" یک ماشین را به گلوله بستند و راننده آنرا بنام طه سلیمی که دارای دو فرزند است کشتند. طه سلیمی در حالی توسط مزدوران رژیم به قتل رسید که ماشین وی حامل هیچ گونه باری برای چپاول و دزدی ماموران حکومت نبود و بدون ایست دادن به سوی او تیراندازی کردند و او را به قتل رساندند. همچنین شب ۲۰ اردیبهشت ۸۸، نیروهای انتظامی مستقر در مرز سردشت جوانی را به اسم شیرزاد ملایی که با یک اسب در مرز سردشت به حمل بار مشغول بود به گلوله بستند و او را کشتند.

مرز ایران و عراق تنها محل کار برای اهالی شهر و روستاهای مرزی است که جان و مال مردم زحمتکش

در امتداد سرکوب روز جهانی کارگر می داند تا تکانی را که کارگران امسال در این روز به کل نظام سرمایه داری دادند منکوب کرده و از پیشروی آن بکاهند. اما ما اعلام می کنیم همچنان که تا به حال هیچ تهدید، ارباب و بگیر و ببندی نتوانسته عزم راسخ طبقه کارگر را برای رسیدن به حقوق انسانیست سست کند، از این پس با اتکاء به قدرت جهانی خود مصمتر به مبارزات و اعتراضات خود ادامه داده و بویژه یک لحظه، بازداشت شدگان اول می و خانواده هایشان را تنها نخواهیم گذاشت.

اتحادیه آزاد کارگران ایران
۲۰/۲/۱۳۸۸

رابطه منتشر شده است، از امیر بابکری معلم تبعیدی از پیرانشهر به شاهین دژ خواسته می شود که به همراه همسرش خود را به ستاد خبری وزارت اطلاعات معرفی کند. لازم به یادآوری است که امیر بابکری مدت ۱۶ ماه اخیر را در زندان بسر برده بود. او مسئول یک روزنامه توقیف شده به نام ریوان است.

حزب کمونیست کارگری دستگیری و مورد پیگرد قرار دادن افراد مذکور را قاطعانه محکوم می کند و از همه مردم می خواهد که خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط آنها شوند. حزب همچنین از همه کسانی که اطلاع دقیقی از وضعیت این بازداشت شدگان و افراد تحت تعقیب دارند می خواهد که ما را در جریان بگذارند تا از طریق رسانه ها و امکانات خود افکار عمومی و نهادهای بین المللی را از وضعیت آنها باخبر نگه داریم و فشارهای لازم و بی وقفه بر جمهوری اسلامی را همچنان نگه داشته و اقدامات لازم را برای آزادی فوری و بدون قید و شرط آنها را پیش ببریم.

کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۱ اردیبهشت ۸۸
۲۰۰۹ مه ۲۱

جوانمیر مرادی عضو هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران تهدید به بازداشت شد

بازداشت شدگان مراسم اول ماه می در پارک لاله تهران برگزار شود. هم چنین از طرف دادگاه انقلاب تهران با همسر یکی از زنان دستگیر شده در روز جهانی کارگر تماس تلفنی گرفته و وی را به داخل ساختمان فراخوانده اند که پس از مراجعه ایشان به مدت یک ساعت مورد بازجویی قرار می گیرد. اتحادیه آزاد کارگران ایران تهدید فعالان و رهبران کارگری و فشار بر خانواده ها را در حالی که هم اکنون تعداد زیادی از کارگران و رهبران کارگری در بازداشت به سر می برند، اقدامی

طبق خبر رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران امروز یکشنبه ۲۰ اردیبهشت ساعت ۱ بعد از ظهر از اداره اطلاعات سنجندج با جوانمیر مرادی تماس تلفنی گرفته و گفتند که اگر قصد دارید به جلسه ساعت ۳ بعد از ظهر در سنجندج بیایید باید خود را به اداره اطلاعات معرفی کنید. جلسه ساعت ۳ بعد از ظهر امروز در سنجندج قرار بود با شرکت تعدادی از اعضای اتحادیه آزاد کارگران ایران و کارگران چند کارخانه به منظور ایجاد هماهنگی برای حمایت از خانواده های

دستگیری و اذیت و آزارهای گسترده در شهر و روستاهای کردستان

معرفی نماید. مادر این خانواده سرانجام روز گذشته درگذشت، اما سرکوبگران رژیم همچنان جهت معرفی سراج الدین بر این خانواده فشار می آورند که موجب خشم و انزجار مردم منطقه شده است. در روستای پالنگان فرد دیگری نیز بازداشت شده است که تا کنون هویت وی مشخص نشده است. روز پنجشنبه ۱۷ شهریور نیز نیروهای امنیتی به روستای شاهینی از توابع کامیاران مراجعه کردند و ۳ نفر از اهالی این روستا بنامهای مسلم خاطری، زاهد قبادی و انور ستمی را بازداشت و به نقطه نامعلومی انتقال دادند. در روستای صلوات آباد از توابع سنجندج نیز در ساعت چهار صبح به منزل چندین نفر از اهالی روستا یورش می برند و تعدادی از جوانان روستا از جمله فردی بنام چیا رحیمی ۲۲ ساله را دستگیر و با ضرب و شتم با خود می برند. علاوه بر اینها در یک هفته گذشته ۳ دانشجوی اهل روستای نگل از توابع مریوان که در دانشگاههای ارومیه و سنجندج مشغول تحصیل بودند نیز بازداشت شده اند.

در خبر دیگری که در همین

بنا به خبرهای منتشر شده نیروهای امنیتی رژیم طی چند روز گذشته در محدوده شهر کامیاران تعدادی از جوانان را بازداشت کرده اند. بر مبنای همین گزارشات عصر روز چهارشنبه ۱۶ اردیبهشت ماه در روستای الک کامیاران ۶ جوان به اسامی کیهان، قهرمان، سامان، ریبوار پرویزی، فردین ویسی و آکام پیرمغانی بازداشت شده و منازلشان مورد تفتیش قرار گرفت. در روستای نیلکوی کامیاران نیز ۳ نفر بازداشت شده اند که از هویت و محل نگهداری آنها هنوز اطلاعی در دست نیست. در شهر کامیاران جواد مارابی وکیل دادگستری که مدیریت یک شرکت بیمه را نیز بر عهده دارد توسط نیروهای امنیتی در محل کارش بازداشت و به نقطه نامعلومی منتقل شده است. جوانی دیگر بنام خالد غلامی اهل روستای پالنگان کامیاران که برای تهیه داروهای مادر بیمار خود به شهر کامیاران مراجعه کرده بود، توسط نیروهای امنیتی بازداشت و ضمن تفتیش منزلش به خانواده او می گویند که برادر کوچکشان سراج الدین که جوانی ۱۸ ساله است، باید خود را به اداره اطلاعات

اول مه ۸۸ گامی مهم در پیشروی ...

از صفحه ۳



اول مه امسال یک تعرض سیاسی جدید و قدرتمند صف کارگر و آزادیخواهی به جمهوری اسلامی و جهنمی است که به جامعه تحمیل کرده است. یک نقطه عطف تازه در مبارزه برای رهائی از این وضعیت، و شروع دور تازه ای از رویارویی کارگران و مردم حق طلب با حکومت اسلامی است.

حزب کمونیست کارگری از یک ماه قبل از اول مه به استقبال روز جهانی کارگر رفت، از طریق کانال جدید با تمام قوا توده مردم را به تظاهرات سراسری و اعتراض علیه هر نوع بیحقوقی و تبعیض و نابرابری فراخواند، اول مه را به اعماق جامعه برد، و تربیون خود را در اختیار تعداد کثیری از مردم گذاشت که در مورد اول مه صحبت کنند و به فراخوان های پرشور بپردازند. حزب افتخار میکند که در شکل گیری حرکت اول مه و پیشروی مبارزه کارگران و مردم علیه جمهوری اسلامی نقش ارزنده ای ایفا کرده است.

حزب کمونیست کارگری صمیمانه دست تک سازمان دهندگان و فعالین این اجتماعات و تک تک شرکت کنندگان در این مراسم ها را میفشارد، بر عزم و ارده و شجاعت آنها و خانواده های مبارزشان درود میفرستد و خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط تک تک این عزیزان است. آنها مردم استثمارشده و فقیر و محروم و حق طلب جامعه را نمایندگی کردند و شایسته حمایت گرم و پرشور ما در داخل و خارج کشورند.

زنده باد اول مه
زنده باد عزم و اراده و شور اول مه
مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۳۸۸ اردیبهشت ۱۶، ۲۰۰۹



بیانه دفتر سیاسی
حزب کمونیست کارگری ایران
در محکومیت شعار فدرالیسم
.....

برگرفته از سایت منصور حکمت

در محکومیت شعار فدرالیسم منصور حکمت

حقیقت اینست که شعار فدرالیسم یک شعار دست ساز و ابتدا به ساکن خود این گروههاست که بعنوان فرمولی در مصالحه و معامله میان ناسیونالیست ها و عظمت طلبان ایرانی با جریانات خودمختاری طلب کرد و در راس آنها حزب دموکرات کردستان به پیش کشیده شده است. این فرمولی است که هر دو جریان برای اجتناب از راه حل واقعی مساله کرد و دور زدن اراده مستقیم مردم کردستان، و برای بند و بست از بالای سر مردم و تقسیم قدرت میان خویش یافته اند.

ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی و شاخه های مختلف اپوزیسیون ملی، در شعار فدرالیسم این امکان را می بینند که با انکار مساله کرد، و ضمن تضمین "تمامیت ارضی"، دریچه ای برای معامله با احزاب خودمختاری طلب باز کنند. احزاب خودمختاری طلب کرد متقابلاً فدرالیسم را شعاری می بینند که با تعمیم خواست خودمختاری به مقیاس سراسری و طرح آن تحت پوشش مطالبه نظام سیاسی - اداری فدرال برای کل کشور، آنها را از اتهام تجزیه طلبی مبرا می کند و مقاومت دولت مرکزی و احزاب ناسیونالیست ایرانی در برابر خواست خودمختاری را کاهش می دهد.

۳- خصلت ارتجاعی شعار فدرالیسم و عواقب سیاسی و اجتماعی فوق العاده زیانبار آن برای مردم و جامعه بسیار عیان است. فدرالیسم به معنای تقسیم قومی رسمی مردم کشور و تراشیدن هویت های ملی و قومی کاذب برای مردم و صدور شناسنامه های قومی برای میلیون ها انسانی است که در ایران زندگی و کار می کنند. فدرالیسم به معنای عقب کشیدن خودآگاهی سیاسی مردم و فرهنگ سیاسی جامعه و برجسته کردن قومی گری و نژادپرستی در ذهنیت مردم و نهادها و قوانین اجتماعی است. فدرالیسم به معنای رسمیت دادن و تعمیم بخشیدن به تبعیضات سیاسی و اقتصادی و فرهنگی میان مردم

برحسب برجسب های ملی و قومی، پاکسازی های قومی در مناطق مختلف کشور، رهبر تراشیدن از میان مرتجع ترین احزاب و افراد برای مردم مناطق مختلف و به عقب راندن جنبش ها و نیروهایی است که برای یک کشور سکولار غیرمذهبی و غیرقومی و برابری همه اهالی کشور مستقل از جنسیت و نژاد و مذهب و قومیت تلاش می کنند. شعار فدرالیسم نسخه ای برای ایجاد عمیق ترین شکاف ها و تفرقه های قومی در صفوف طبقه کارگر کشور است. شعار فدرالیسم شعاری ضد کارگری و ضد سوسیالیستی است.

۴- از نظر عملی، شعار فدرالیسم، زمینه ساز یک کشمکش خونبار و طولانی در سطح کل کشور است. در بخش اعظم مراکز پرجمعیت و صنعتی و در راس همه در شهر دوازده میلیونی تهران، هیچ رابطه یکی به یکی میان "اقوام" با سرزمین وجود ندارد. هر نوع تلاش برای تراشیدن هویت قومی برای مردم و تقسیم سرزمین و تعریف حاکمیت منطقه ای بر حسب قومیت، به یک جنگ خونین و عظیم میان جریانات قومی منجر می شود که بناگزر کل مردم را به کام خود می کشد. ابعاد فاجعه ای که تحقق این افق ارتجاعی قوم پرستانه می تواند در ایران ایجاد کند، چنان عظیم خواهد بود که رویدادهای سال های اخیر یوگسلاوی در قیاس با آن رنگ می بازد و بیروت و کابل و ساریوو در مقایسه با تهران پس از فاجعه "فدرالیسم"، کانون های امنیت و ثبات جلوه خواهند کرد.

۵- انقلاب آزادیخواهانه مردم در سال ۵۷، تحت لوای حکومت اسلامی و اصالت دین به بیراهه و به خون کشیده شد. خواست فدرالیسم مجدداً همین سرنوشت را اینبار بنام اصالت قومیت و ملیت و حکومت مبتنی بر هویت ملی و قومی گری برای مردم تدارک می بیند. حزب کمونیست کارگری شعار فدرالیسم را بعنوان یک شعار ارتجاعی، ضد

کارگری و مغایر با آزادی و برابری مردم بشدت محکوم می کند. هرچند همه گیر شدن و موضوعیت یافتن این شعار در جامعه ایران امری نامحتمل است، حزب کمونیست کارگری ایران در هر حال وظیفه خود می داند که در برابر هر حرکت احزاب ناسیونالیست برای تحمیل این افق و این آینده تاریک به مردم قاطعانه بایستد. حزب کمونیست کارگری با هر تلاش ارتجاعی برای مبتنی کردن دولت و نظام اداری در کشور بر مذهب، قومیت، و ملیت مقابله خواهد کرد. حزب کمونیست کارگری ایران تمام آن نیروها و جریاناتی که چه از سر واپس گرایی قومی و چه از سر حماقت و کوتاه نظری سیاسی، مردم را به این پرتگاه هولناک می رانند، پیگیرانه افشاء خواهد کرد.

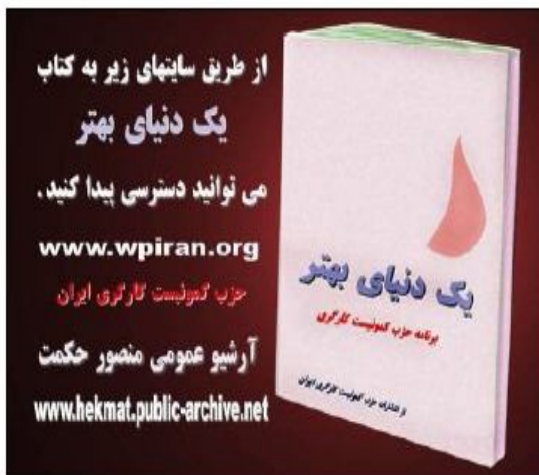
۶- حزب کمونیست کارگری برای برقراری یک نظام سیاسی و اداری سکولار غیرقومی و غیرمذهبی تلاش می کند که در آن برابری حقوقی کلیه اهالی و ساکنین کشور، مستقل از قومیت، جنسیت، نژاد، مذهب، اعتقادات، و غیره تضمین شده باشد

۷- در رابطه با مساله کرد، حزب کمونیست کارگری ایران یکبار دیگر بر موضع اصولی خود تاکید می کند. این تنها خود مردم کردستان هستند که حق دارند و باید در یک رفتارند آزاد تصمیم خود را درباره جدایی کردستان و یا باقی ماندن در چهارچوب کشور بعنوان شهروندان متساوی الحقوق کشور اعلام کنند. هر نوع بند و بست نیروهای سیاسی و هر نوع توافقی از بالای سر مردم میان دولت مرکزی و احزاب خودمختاری طلب کرد در مورد آینده سیاسی و اداری کردستان فاقد مشروعیت سیاسی و قانونی است.

دفتر سیاسی
حزب کمونیست کارگری ایران

اردیبهشت ۱۳۷۵ - مه ۱۹۶۶

در خرداد ۱۳۷۵، زوئی ۱۹۹۶، مجدداً در انترناسیونال شماره ۲۱ منتشر شد.
مجموعه آثار منصور حکمت جلد هشتم صفحات ۳۲۴ تا ۳۳۱
انتشارات حزب کمونیست کارگری ایران، جاب اول نوامبر ۱۹۹۷ سوند
ISBN 91-630-5761-1



کانال جدید

"کانال انقلاب" علیه جمهوری اسلامی

ترین کلان، زنان، جوانان و مردم شریف ایران



مردم، به کانال جدید کمک کنید!

کانال جدید، اتحاد جدید، دنیای جدید!

دنیایی شاد، آزاد و برابر، عاری از فقر و خرافه!

با کمک های ملی خود ادامه کاری کانال جدید را تضمین کنید!

وجود این کانال برای سرنگونی حکومت اسلامی، برای رسیدن به جامعه ای برابر، آزاد و انسانی حیاتی است. کانال جدید را به دوستان خود معرفی کنید و به آن کمک مالی کنید و یا اسپانسر ملاحظه شوید.

تلفن و آدرس تماس برای کمک مالی:

شماره حساب سوئد: ۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۸
Sweden
Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

شماره حساب آلمان: ۰۰۴۷۷۳۹۸۱۸۰۵۱
Germany
Rosa Mai
Konto Nr.: 583657502
Bankleitzahl: 37010050
Post Bank

شماره حساب کانادا: ۰۰۱۴۱۶۷۷۹۷۲۵۷
Canada
ICBC
Scottiabank
4900 Dixie Rd, Mississauga
L4W 2R1
Account #: 84392 00269 13

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر: ۰۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳
England
Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23
account holder: WFI
branch: Wood Green
Bank: NatWest
IRAN: GB77 NWBK 6024 2345 4779 81
BIC: NWBK GB 2L

E-mail: NCTV.Tamas@gmail.com www.newchannel.tv
تلفن تماس مستقیم و بهنگام: ۰۰۱۳۱۰۸۵۶۹۸۹۷

اعلام کمپین جمع آوری ۳۰۰ هزار دلار کمک مالی جهت نامین ادامه کاری کانال جدید

کارگران، زنان، جوانان، مردم شریف!

اطمینان داریم که شما با کمک های خود بار دیگر تداوم کانال جدید این ابزار مهم سازماندهی اعتراض و مبارزه مردم علیه جمهوری اسلامی، این وسیله متحد کردن توده های میلیونی برای تحقق شریف ترین آرمانهای بشری را ممکن میگردانید.

زننده باد کانال جدید!
مرگ بر جمهوری اسلامی
زننده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۳ آوریل ۲۰۰۹

سازماندهی جمع آوری کمک مالی در بین همکاران و آشنایان، تداوم کانال جدید را فراهم کنید.

بدینوسیله به اطلاعاتان میرسانیم که از روز دوشنبه ۴ ماهه ۲۰۰۹، برابر با ۱۴ اردیبهشت ۱۳۸۸، کمپین وسیع و علنی جمع آوری کمک مالی را شروع خواهیم کرد که به مدت ۶ هفته ادامه خواهد داشت. ما امیدواریم در طی این مدت مبلغ ۳۰۰ هزار دلار از داخل و خارج کشور جهت تامین هزینه های کانال جدید جمع آوری کنیم. ما

کانال جدید، کانال انقلاب، این تریبون بیان حرفهای دل شما و اعلام کیفرخواست و اعتراض شما علیه جمهوری اسلامی و علیه همه نابرابری ها، برای ادامه کار خود به کمک فوری شما نیاز دارد. کانال جدید همه ما را به هم نزدیک کرده است و باید با قدرت و اعتماد به نفس پیش رود و فعالیت آن گسترش یابد. حزب کمونیست کارگری همه شما عزیزان، همه آزادیخواهان و برابری طلبان، همه بینندگان کانال جدید، همه دوستداران و اعضا و کادرهای حزب را فرامیخواند تا بار دیگر با کمک های بیدریغ خود، با

معلمان در چندین شهر دست به تجمع اعتراضی زدند

در تهران نیز تعدادی از معلمان در مقابل وزارت آموزش و پرورش تجمع کردند که با یورش سرکوبگران جمهوری اسلامی مواجه شدند و مورد ضرب و شتم وحشیانه سرکوبگران جمهوری اسلامی قرار گرفتند و سه نفر از آنها دستگیر شدند.

حزب کمونیست کارگری حمله اوپاش حکومت اسلامی به معلمان تهران را شدیداً محکوم میکند. معلمان دستگیر شده باید فوراً و بی قید و شرط آزاد شوند. حزب از مبارزه و خواست های بحق معلمان قاطعانه حمایت میکند و همه معلمان و خانواده های آنها، کارگران و دانشجویان، جوانان و زنان آزادیخواه را به شرکت در این مبارزه و حمایت فعالانه از خواسته های عادلانه آنها فرامیخواند.

آزادی، برابری، حکومت کارگری
مرگ بر جمهوری اسلامی
زننده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران
مه ۲۰۰۹، ۱۶ اردیبهشت ۱۳۸۸

گیریهای آموزش و پرورش از خواسته های دیگر معلمان بود. در این تجمع معلمان ضمن طرح خواسته های خود از خواسته های کارگران، پرستاران، روزنامه نگاران و سایر اقشار محروم جامعه حمایت کردند.

همزمان در شهرهای سقز و میروان نیز معلمان تجمعات اعتراضی برگزار کردند. در این تجمعات معلمان خواستار اصلاح سیستم آموزشی و بهبود شرایط معلمان و دانش آموزان شدند.

معلمان کرمانشاه نیز در همین روز علیرغم حضور گسترده مأموران امنیتی و انتظامی تجمعی اعتراضی در سازمان آموزش و پرورش این شهر برگزار کردند. اعتراض معلمان کرمانشاه در حالی برگزار شد که در روزهای گذشته اعضای شورای مرکزی کانون صنفی در این شهر از طرف جمهوری اسلامی تهدید و یا از اجرای تحصن و اعتراض منع شده بودند.

روز ۱۴ اردیبهشت معلمان شهرهای کرمانشاه، سنندج، سقز، میروان و تهران و شیراز و ... دست به تجمعات اعتراضی زدند، خواهان حق تشکل، اعتصاب، آزادی بیان، آزادی فرزند کمانگر، لغو احکام صادره علیه معلمان، بهبود شرایط معلمان و دانش آموزان و دخالت در تصمیم گیری ها شدند و از مبارزه کارگران، پرستاران، روزنامه نگاران و سایر اقشار محروم جامعه حمایت کردند.

بر اساس اخبار رسیده روز ۱۴ اردیبهشت معلمان شهر سنندج دست به تجمعی اعتراضی زدند، تعدادی از معلمان سخنرانی کردند و در پایان قطعنامه ای خوانده شد که در آن معلمان خواستار لغو احکام صادره علیه همکارانشان و آزادی فرزند کمانگر شدند. برسمیت شناخته شدن حق تشکل و اعتصاب، آزادی بیان و دخالت در تصمیم

مرگ بر جمهوری اسلامی، زننده باد جمهوری سوسیالیستی!